



1999 S



بر هفتمی از رساله  
مَعْبُودِ بَلَاءِ الْبَدَنِ

الحمد لله که رساله قنای شمل بر کثر مسائل کل میانه افاد است

جناب لانا الاظم بلاذ افاض الامم الحبر الهمام النحر العظام

مفر حقایق التنزیل بدقائق البسیاس موس مبانی

الناویل نبیا الرشیدان حلال المشکلات الیه نیکشاف العفشات بالذلال

البیشیة عمدة التعلیقین فی المناظیر فی بحر الفضلاء سلط العلماء المستنیر

عفی عن محمّد لازالت شموس افادته لاسعة واقرا فاضاته بارعة

باهام اصغف لعباد اسید حسیین قدس و طبع مطبع النجف

بجلیه انصاع محلی شد ۲۰

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله اجمعين  
**استفاد** آنچه نواصب میگویند که جناب پیغمبر خدا ص در مرض موت  
 خود ابو بکر را با امامت نماز نصب فرموده خود هم مع علی علیه السلام عقب او  
 نماز گذاردند آیا صحیح است یا بهتان و علی لا اول یا ابو بکر فابلیت امامت  
 و شرایط آن که ایمان و عدالت است و ائمه باشند یا اینکه نماز جماعت عقب  
 فاسق که مفرع قوم النواصب مجایز باشد و کلاما عندنا ممنوعان و نیز طعن خلف  
 ابو بکر از حدیث اسامه مرفوع گردید چه این حکم ناسخ حکم سابق باشد و علی الثانی  
 کذب این روایت ثابت فرماید **جواب** اولاً مضمون مامور سابقاً

ساختن رسول خدام ابو بکر را بنماز اگر چه در روایات اهل سنت وارد است  
 لکن روایات ایشان برای حق حجت نیست اثبات این مطلب از کتب شیعه  
 عهد اهل سنت لازم است نه اینکه اثبات کذب بر ذمه اهل تشیع لازم باشد  
 فانه خروج عن ادب المناظره علاوه بر این میضای اقتدا کردن جناب سالک  
 برای بکر نزد محققان اهل سنت نیز محقق نگشته قال شارح مشکوٰۃ ملا علی  
 القاری وزعم ان ابابکر کان هو الامام و استنبی ۴ هو مقتدی به غلط و نه  
 الطیبی ان الصواب ان التنبی هو الامام و در دیگر کتب اهل سنت نیز تضعیف  
 این مضمون باسطور است و ثانیاً روایات مطاعن و مثالب اخباری  
 که ایمان ایشان را سلب است معارض آنست پس بآن اخبار و روایات  
 که در کتب فریقین موجود است کذب روایت عامه با ثبات میتوان رسید  
 و ثالثاً از روایات عامه و خاصه معلوم میشود که امر ابو بکر بنماز از طرف  
 عایشه صادر گشته و رسول خدام هرگاه بهوش آمده در همان حال ضعف  
 و ناتوانی برای رفع توهم هزار حجر ثقیل خود را به سجده رسانیده ابله  
 بکر را از محراب رانده خود نماز گذارده اند پس چگونه روایت سابقه  
 مقبول خواهد شد جناب سید مرتضی علم الهدی علیه الرحمه منظره

ان قبل الصلوة ان لا خبز احد ثم ان الامر بها لاذن فيها واراد من جهة عائشة  
 وليس منكرا ان يكون الاذن صدر من جهةها لان جهة الرسول و قد  
 دل اصحابنا على ذلك بشيئين احدهما قول النبي صلى الله عليه وآله ما انت بدال وابية  
 لما عرف بقدم ابي بكر في الصلوة سمع قرأ في المحراب انكن بصحبة  
 يوسف الخزرجه متما ملا من الضعف معتمدا على امير المؤمنين والفضل  
 بن العبدل الى المسجد وغيره لا يكره عن المقام واما الصلوة بنفسه  
 وهذا يدل دلالة واضحة على ان الاذن لم يتعد عائشة الى رسول الله  
 وبقية انكن بصحبة يوسف خباكمه سيد مرتضى علم الهدى عليه الرحمه  
 افاده فرموده دلالت برزست ازواج وارو و قطع نظر از بن ورو ورو است  
 بواسطه عائشه و صحاح و غير صحاح آنرا از درجه اعتبار ساقط ميكند و خيال  
 تقول و اقراي و غير تقع او براي خود و پدر خود قائم است و روايت او  
 بر شيعة اصلا حجت نمي تواند شد بجاى تعجب است كه شهادت جناب امير  
 و حسين بن ابي ايمر بن رباب كه مقبول نباشد و شهادت عائشه و رضى پدر  
 موثق و مقبول باشد با آنكه حال عائشه اينست كه از روايات اهل سنت  
 نيز كذب و ظاهر ميشود صاحب روضه الاجاب از عائشه نقل ميكند كه

که گفت پیغمبر را برای دیدن زنیکه خواستکاری او منظور و پشت فرستاد  
 دیدیم و برگشتم و بحضرت رسالت م کفتم چیزی ندیده ام که بکار آید فرمود که به  
 تحقیق بر خساره اشش خالی دیده که از رشکش کیسوی تو لکر زنه گفتم  
 یا رسول الله که می تواند که از تو چیزی پنهان دارد **استفاد**  
 در زمان خلفای ائمه آیا جناب امیر المؤمنین علی علیه السلام باز جمعه و عیدین  
 می گذاردند یا نه و در صورت اول خود امامت می کردند یا عقب خلفا  
 جور می گذاردند اما اینکه خود امامت میکردند پس از زود حال خالی نیست یا  
 با ستر منای خلفای جور امامت میکردند یا بدون آن فی کلیها نظر  
 لان الاول مناف للبغض الشا جر الذی کان منهم و الثاني مناف  
 للنفیة و در صورت دوم یعنی اینکه عقب خلفای جور می گذاردند و ثالثا  
 یحتمل الوجهین لان امتدادهم بالخلفاء اما کان لجواز الامتداد خلف  
 الفاسق بل الکافر و هو حرام و فاسد و اما کان للنفیة و فیل یضاهیه  
 لان یسقط الجمعة و غیرها مع فقدان الشرط فلما یفسد صلواته  
 خلف هو لآء الفسقة و اما القول بالتراک فسنبعد عقلا لانهم  
 کیف ترک الجمعة و العیدین الی ثلثة عشر سنه بیئوا توجروا



**جواب** احتمال کذا ردن نماز جمعه و عیدین پشت سر خلفای جور  
 از روی تقیه احتمالیست صحیح که معصومه بر آن مترتب نمیشود و تو هم  
 فساد نماز و یا سقوط وجوب در آن کنجائش ندارد بعلت آنکه فساد نماز  
 خلف الفاسق شروط است بعدم ضرورت و آن در مقام تقیه منقوض  
 جمعه و عید در حال فقدان شرایط در صورتیست که مظنه ضرر در  
 ترک نباشد و هو فی المقام موجود علاوه آنکه احتمال اعاده و عدم نیست  
 اقتدا و قصد نافله متطرق است پس از ادای جمعه و عید با اهل خلاف  
 در مقام تقیه اشکال مرتفع است **استفاده** سموع میشود  
 که میت را مردمان بزمین می سپارند به مدت معینه جهت نقل جنازه  
 بجای دیگر آیا این تقویض اصلی دارد یا نه و اگر اصلی دارد تیاس بر آن  
 تقویض مجروح بهما تباب که بعض عوام نمی کنند هم رواست یا نه  
 بنیوا تو جرح **جواب** اصل این قسم بیرون خواه بزمین بسیار نه  
 و خواه بهما تباب و مانند آن شرعا اصل ندارد و اگر این چیز را از وحی  
 موثر دانند این افعال را روا نخواهد بود **استفاده** بجاوب طعن  
 سنیان در باره نزوح جناب ام کلثوم سه نفر بنظر حقیر رسیده یک

یکی انکار تزویج را بسبب دایت زیر این بکار که مخالف و معاند جناب  
 امیر علیه السلام است دوم فرستادن جناب امیر علیه السلام جنبه رابعه  
 عمر سیوم تسلیم تزویج بدلیل تزویج جناب سالت پناه صد دختران  
 خود را با کافران و نیز فرمودن جناب لوط علی بنبتینا و علیه السلام کافران  
 بناتی هن اهل کلم آدم بر آنکه هر دو جواب اعنی اول و ثانی شیعیا  
 است اما منعم سنیان نمی توان شد تا که از کتب معتبره ایشان بیست  
 نزد کما بود اب المناظره و جواب سوم بلحاظ طعن مورخین فرقه حقه  
 بلکه بعض مورخین فرقه سنیه مثل طبری و غیره بر نسب عمر و موجب خلجانها  
 است چه زاده حرام ایاقمت تزویج دختر جناب سیده علیها السلام ندارد  
 که جواب با صواب نبیجیکه مسکت سنیا و با و نیز بلجان شیعیا  
 باشد مرقوم قلم فیض توام کرد و در صورت کذب این تزویج نام زوج  
 جناب ام کلثوم که بر روایات معتبره ثابت شده باشد ارقام فرموده شود  
**جواب اول** تزویج جناب ام کلثوم بر بیست نرسیده و پنجاه  
 روایتی از اخبار اعااد تزویج منقول گشته همچنین روایتی شتمل  
 بر فرستادن جنبه نیز نقل شده و جنرم بر هیچیک عامل نیست و آن

اخبار احوال و اصول ثانیه را برهم نمیتوان زد اما اینکه نوشته اند که هر دو  
 جواب اول و ثانی بشیعیان پس است اما فهم سنیان نمیتواند شد تا که از  
 کتب معتبره ایشان بنبوت نرسد کما به جواب المناظره پس کلامیست خارج  
 از دواب مناظره چه شیعیان اگر بر اهل سنت ایرادی نمی گرفتند  
 مدعی امری میشدند اثبات آن بر عهده شان لازم میشد اینجا امر بالعکس  
 است که سنیان ایراد بر شیعیان می کنند و میگویند که بچنین روایات  
 غیر معتبره بر ایشان حجت گیرند تا باشد که باین حیل اختلافی در میان مصلوب  
 مطعونیت خلفای خود راه دهند پس اینها مدعی وقوع تزویج اند  
 و بر ظاهر است که مقابله ادعای شان بمنفع موافق قوانین مناظره است  
 نه مخالف آن و **ثانیاً** بر فرض تسلیم روایت مذکوره استناد اهل سنت  
 بآن درست نمی شود چه شیعیان قائل بعصمت ائمه علیهم السلام هستند  
 و افعال و اقوال ایشان را حجت میدانند و اعتقاد این امر دارند که بر اهل  
 هر یکی از ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین صحیفه بوده و حکمی از  
 احکام که در باره شان نازل شده از آن خارج نبوده و در اکثر وقایع  
 حضرت امیر علیه السلام احکام غریبه ارشاد میکرد که تکلیف دیگران نبود

نبود که بچنین احکام اقدام نمایند و ضرورتیست که سر جمیع احکام و افعال و  
 اقوال آنحضرت بر یکسان ظاهر شود پس داد میکه در برابرین اصل عصمت  
 و حجیت اقوال و افعال آنحضرت بحثی موجه پیدا نکنند بچنین روایات  
 وضع اصول ثابته ایشان نمیتوانند کرد و نیز جواز تزویج مؤمنه با کافران و  
 لوط علیه السلام و تزویج جناب سولخدا<sup>ص</sup> فی الجمله ظاهرست پس منطقتی قبیح  
 عقلی که قابل تخصیص است ثنا نباشد زائل گردید و باقی ماند عموماً و ادا  
 و شریعت مصطفویه که دلالت بر نبی از این امر علی لا طلاق دارد پس  
 بمفاد ما من عالم الا و قد خصخصه آن باعد الضرورة و المصالح الشرعیة مکن  
 است و هرگاه جناب رسالت<sup>ص</sup> بخطا بالعائشه فرموده باشند لولا ان  
 قولک احد ثواب عهدنا بجا بلیت لا مرت بالبیعت ان یهدم و یلغیت به اسرار  
 ابراهیم و بنا بر مصلحت عدم ارتداد از بنامی که به شرف دست برداشته باشد  
 اگر بنا بر چنین مصلحتی در آنوقت حضرت احکام کفر بر نصاب جاری نفرموده  
 باشند چرا بجا می تعجب باشد و بودن خلیفه ثانی زاده زنا بر کفر معنوی  
 و ناصبی بودن او مزیتی ندارد چه در شریعت غراتر و بیجا با کفار حرام است  
 و با ولد الحرام غیر حرام بلکه مکروه است و کسانی که زاده زنا را کافر میدانند

غایت امرش آن خواهد بود که بسبب کفر و مانع از ترویج شوند پس چرا بیکه  
از حرمت ترویج با کفر خواهد بود مثل آن بلکه بهتر از آن درین موده میتوان  
گفت **استفاده** در بعضی آیات دیده شد که جناب امیر علیه السلام  
بهنگام غضب خلافت فرموده بودند که اگر چهل مرد مؤمن با من متفق میبودند  
جهاد با غاصبان خلافت میکردم از آنجا ساقب اصحاب صنفه که جماعت کثیر بود  
از تقاضای نیت میشود عرضه میدهم که اینها شریک جناب امیر علیه السلام  
بودند یا نه اگر شریک بودند جناب امیر علیه السلام جهاد چرا فرمودند و اگر  
اینها شریک نبودند جای تنقیب و مدح ایشان چیست **جواب**  
مدح اهل صنفه علی العموم ثابت نیست و بر تقدیر تسلیم چونکه مراد از چهل مؤمن مؤثر  
کامل اند که صاحبان غریبت درست و همت استوار باشند که در معارک  
سرد آزا مقدم ثبات شان از جانب خنبه و در اوقات امتحان از مالیش پای  
استقامت اعتقاد و تقیادشان بموپیات اهل باطل مغرور همچنانکه در  
معرکه کربلا درین دایه عظمی جان شان را فدا کردند علیهم السلام لاف التحیة  
و التهنید و ادبها ت قدم دادند و در عرصه و غایب معرکه فدا بید رنگ درآمدند  
که ذکر جمیل ایشان یاد کارهای ایشان باقیمانده پس مطلق ایمان و

مدح اگر برای اهل صفه ثابت باشد از ایشان بی ثبوت اینچنین صفات لازم  
 نمی آید پس وجودشان اگر چه موافقت و انقیاد جناب امیر علیه السلام باشد مستلزم  
 وجوب جهاد بر آن حضرت نخواهد شد لکنه معلقا علی وجود اشخاص مخصوصین  
 موصوفین با ذکر نام الصفات و الله العالم **استفاده** در بابیت الهیادت  
 مذکور است بجزم تجویز آن صبیح المؤمنه و بالعکس در بی صورت در باب تزویج  
 و خزان ائمه بانو صبیح مثل تزویج حضرت سکینه با مصعب بن زبیر و علی  
 هذا القیاس تزویج امام محمد تقی علیه السلام و حضرت مامون را چه ارشاد  
 میشود جواب اینجکه حضرت سکینه با مصعب با جازت حضرت ثابت نیست  
 با آنکه بعضی روایات وفات شان در عصر سن ظاهر میشود و تزویج حضرت  
 بخت مامون از کجا که در حال نابلیت او بوده و مخالفت مذہب مستلزم  
 نصب نیست **استفاده** حضرت امام رضا علیه السلام قطع نظر از عالم است  
 با وصف خبر دادن پیغمبر خدا و دیگر ائمه علیهم السلام بانیکه مامون آن جناب  
 را زهر خواهد داد و چارترد او فرستند و علاوه بر آن که افرامی زهر را آورد  
 تناول فرمودند **جواب** تخلیف ائمه را بر دیگران قیاس نمیشود  
 کرد و در هر وقت و در هر حال موافق او امر الهی که در باره ایشان

صادر شده تقیه و غیر تقیه کار نباشد **استفاوه** در غرضه اصد و  
 داودی آنرا حضرت سلمان فارسی و ابو ذر و دیگر صحابه مؤمنین رضی الله عنهم حاضر  
 بوده ندانند و در صورت اول شرک استصحاب فاره بودند یا شرک جناب  
 پیغمبر خدام جواب ارشاد فرمایند **جواب** هر یک که ایشان را در جمله فارین  
 محسوب نماید اثبات این امر بر ذمه او لازم است و مثرت ایشان  
 در جمیع این غزوات معلوم نیست و در بعضی اکثر ثابت شود مفارقت سلمان  
 از رسول خدا معلوم نشده **استفاوه** امام را که مثل بنی ارقم  
 منصوب علی لایحه است در صورت فقدان اعوان و انصار از مخالفین  
 و خاصیان خلافت و مدعیان امامت تقیه جایز بلکه واجب است پس  
 باید که انبیاء را نیز در صورت کذاست تقیه جایز باشد و هو خلاف المشهور  
 زیرا که حضرت نوح و حضرت ذکریا و یحیی هر اربعه نفر بودند **جواب**  
 علی العموم نفی تقیه از جمیع انبیاء و جمیع از منہ و اقوال ثابت نیست  
 بلکه در اکثر جای عمل بر تقیه فرموده اند قال البیضاوی فی ذیل قوله تعالی  
 و ثبت فیما من عمرک سنین و فعلت فعلک التي فعلت هانت  
 من الکافین فانه علیه السلام کان یعایشهم بالتقیة قال ابن یابو یحیی

فی حال الدین فان قالوا فاذا جئتم للامام ان یجدا مائة عدل و عنده  
 الخوف فهل یجوز للنبی ۴ ان یجحد نبوته عند الخوف من عدائیه  
 قبل لم تدسرق قوم من اهل الحق بین النبی و بین الامام بان قالوا  
 ان النبوة هی الذی الی سائله و البین ذلك للناس بنفسه فاذا جحد ذلك  
 و انکراه علی التقیة فبطلت الحجج و لم یکن احد یدین عنه و الامام قد قام  
 له النبی له حجته و ایا ان امره فاذا سکت و جحد کان النبی قد کفأ  
 ذلك لیس هذا جوابنا و لکننا نقول ان حکم النبی و حکم الامام سیما  
 فی التقیة اذا کان قد صدع بامر الله و بلغ رسالته و اقام المعجزات  
 فاما قبل ذلك فلا بد من تدحی النبی سهم من الضعیفة فی صلح الحدیبة  
 حین انکر سهیل بن عمرو و خفض بن الاختف بنو ته فقال لعلی ۴  
 ائحده الی آخر ما قال **استفاد** در باب منازعه عباس بن  
 عبد المطلب با حضرت امیر المؤمنین ۴ چه ارشاد می شود **جواب** اگر  
 این منازعت حقیقتی بوده پس لا محاله حق بطرف جناب امیر  
 بوده است و نزاع عباس از راه جحد حق یا التباس بوده باشد فان  
 علیها ستم الحق و الحق ۴ علی بدو رسوخ حیث ما دار کما ورد فی جملة



من الاخبار و اگر سازعت تحقیقی نبوده بلکه علی و عباس صورت مناجات  
 را برای تسبیح و التزام مثل سازعت ملکین نزد او و علیه السلام طاهر کرده باشد  
 کما تضمنه حکامه هشام پس این سازعت دلالت بر بطل بودن یکی از طرفین  
 نخواهد داشت **استفاده** در مقدمه عبدالله بن سبا چه ارشاد میشود  
**جواب** عبدالله بن سبا قالی ملعون بوده علامه صلی رح در خلاصه صغریا  
 عبدالله بن سبا بالتین المله و الباء المنقطه تحتها نقطه واحد قال الملعون  
 حرره امیر المؤمنین ۲ بالنادر کان ینعم ان علیا علیه السلام و انه نبی  
 لعن الله انشی فی رایت هشام بن سالم قال سمعت ابا عبد الله ۲ یقول و هو فی  
 اصحابه بحديث عبدالله بن سبا و ما ادعی من الربوبية فی امیر المؤمنین ۲  
 فقال انما ادعی لك فید استأثره امیر المؤمنین ۲ فابی ان یتوب فله  
 بالنادر و بانیمضون احادیث متعدد و ارد گشته و الله تعالی **استفاده**  
 شکر است کافر است یا نه و علی الثانی شکرین است حضرت امیر  
 کافر نباشند و علی الاول و باره محمد بن خنیفه و مختار بن ابی عبد الله  
 و عبدالله افطح و جعفر بن علی نقی ۲ و غیره چه حکم میشود آیا اینها  
 شکر است ائمه زمان خود بودند کما هو مرسوم النور صیب یا نه جواب

**جواب** منکر امامت هرگاه بهمان حال نگیرد و آخرت مخلد فی القنار  
 است و لا ت جین مناص لب آنها و کما بحسب آفریت در یک حکم باشند  
 و در دار دنیا بحسب طاهر محکوم به سلام و اگر نائب شود و توبه او مقبول  
 با خلاص باشد پس محکوم بحکم ایمان و ناجی از زیران خواهد بود و از رجا  
 مذکورین کسی نیکه نائب شده اند ناجی و ممدوح اند کچند بن ضعیفه  
 و جعفر بن علی بن **استفاده** حضرت سلم بن عقیل و ثانی بن  
 عروه چرا ترک تقیه نموده شهادت اختیار کردند و ترک وجوب لعل  
 آوردند **جواب** برای هر دو بزرگوار مقام تقیه چه بود و شناسان  
 دین در پی قتل ایشان بودند و عذر ایشان را مقبول ندانند و مقتول  
 کردند و علیهم لعنت الله ابد الابدین و علیهم اجمعین **استفاده**  
 شخصی اشیا می زید و زوی نموده بر دو شخص غنی گیر همان اشیا می  
 را شناخته و زید و حواله زید نمود پس برین صورت آن شخص را ثواب  
 گردید یا گناه کار شد **جواب** شخص ثانی گناه کار نیست بلکه مجرم  
 و الله اعلم **سوال** اگر در مجلس سب کثرت ناس کفش شخصی گم  
 شود و بجایش کفشم دیگر افتاده یا بدو دیگر گرفت کفشم مطروح

مذکور تهتک انیکس متصور درین صورت چه کند **جواب** اگر معلوم  
 شود که این فعل با قیامده مال ساقست از روی مقاصد متصرف بر آن  
 میتوان شد و اگر معلوم نشود پس ظاهر احکام لفظ بر آن جاری خواهد شد  
 و احتراز تهتک حجت باستعاره از غیر متصور است و بعد از علم لفظ  
 بالضم چیز انداخته شده بر حیده شود و وقت پیدا شدن حبش با و برسد  
**سوال** اگر کافری چیزی نقد و جنس و غیره نزد جناب **پیشو**  
 کند که آنرا طعام بخشد تقسیم کند و او کسی دیگر را از نقد و غیره بدهد و گفته  
 و دهد که این طعام بخشد تقسیم کرده دهد اگر آنکس آن زر و جنس را بپوشیند و  
 محتاجین را بخت شد تقسیم کند درست است یا نه **جواب** احوط آنست  
 که بر طبق گفته مالک عمل آید و الله اعلم **سوال** چه میفرمایند اندرین  
 که در صیغ نكاح دائم و منقطع و طلاق تلفظ بکلمات عرب و در شرایط  
 صحت عقود مذکورین است یا نه و اگر کسی مخاطب زن در فارسی بگوید  
 بگوید مگر که ترا طلاق دادم بمقابلہ عدلین طلاق صحیح خواهد بود یا نه  
**جواب** نكاح و منعه و طلاق هر سه در زبان غیر عربی ظاهر آنست  
 که صحیح باشد و لکن احوط آنست که بعربی نیز بگوید و الله اعلم

والله اعلم **سوال** چه سیفر مانند علمای دین اندر مینصورت که شخصی  
 زوجه مشکوّه خود را در حال غیظ و غضب و خشم پیش چند کسر طلاق داد و آنرا  
 در مینصورت زوجه مطلقه شد یا نه و بعد چندی که رفع لال شد باز میخواهد  
 که با و رجوع نماید هر چه ارشاد شود **جواب** تا وقتی که اختیار باقیست غیظ  
 و غضب مانع صحت عقود و ایقاعات نمی تواند شد آری اگر در اجتماع شرایط  
 صحت تطریق خللی شده باشد از آنجهت فاسد خواهد بود و الا فلا **سوال**  
 در ایام تغزیت امام علیه السلام علماء برداشته از جایی بجای نقل نمودن  
 و اسباب جلوس همراه داشتن و تمن و طنبور و دهل و غیره نواختن جایز است  
 یا نه **جواب** علم برداشتن و اسباب جلوس همراه گرفتن هرگاه معین برگزیده  
 و بکار بوده باشد مانع ندارد مگر نواختن طنبور و غیره جایز نیست والله اعلم  
**سوال** وزن درهم شرعی چه مقدار و وزن مثقال چه قدر و وزن طل  
 بحساب هندوستان چه قدر **جواب** درهم قریب دو ماشه و دو سرخ  
 اندک زیاده تقریباً و مثقال شرعی و دینار برابر است و آن سه ماشه و دو  
 سرخ تقریباً و طل عرستے یکصد و سی درهم است **سوال** زید فوت  
 کرد و وارثانش منحوه اند در روز و زوجه مشکوّه و دو دختر و سه پسر با عصبیت

تقسیم شرعی بابت ترک زید بجه قسم خواهد شد بینا تو جبر و اجاب بمن هر  
دو زوجه و باقی با اولاد آن **مسئله** الا نثین میرسد و بعد العالم  
**سوال** کنیز که زن فاحشه از مال پیشه خود بهر سانیده است بکسی تحویل  
او تواند کرد یا نه بینا تو جبر و اجاب اگر از مال حلال خریده است میتوان  
گرد و الا هرگاه خود مالک نباشد تحویل او بجه کار می آید و الله اعلم **سوال**  
زن فاحشه که توبه کار از پیشه خود کرده ز روز یور و حویله و کنیز که دارد  
اما ازین اشیا در راه خدا صرف تواند کرد یا نه بینا تو جبر و اجاب اگر از  
وجه حرام جمع کرده پس اگر مالکانش امیدند مال آنها را بر آنها رد کند و اگر  
نمیداند از طرفشان تصدق کند **سوال** اگر در سبوح قدوسی کجی معلوم  
شود نماز آن مسجدها نطو بخوانیم یا رعایت کجی نموده بخوانیم **جواب**  
اگر از خراف از قبله ثابت شد و رعایت قبله واجب خواهد بود و الله اعلم  
**سوال** کسانی که دخل موسیقی نمیدارند لیکن لهجه خود را پیش صاحبان  
آن فن درست نموده مرثیه و غیر آن را در لهجه میخوانند یا اینکه بطریق لهجه  
او از موسیقی میخوانند در این هر دو صورت اجتناب از استماع واجب است  
**جواب** مادامیکه بجه غنا رسد مضائقه ندارد بلکه حسن صوت مامور به

مامور به است و الله اعلم **مسئله** کسانیکه در علم موسیقی مهارت تمام دارند  
 بلکه مطربان و غیر آن آنها کوستاند این فن میدانند و آنها کلام الله و نقبت  
 و غیر آنرا میخوانند و صاحب شناسان این فن مثل مطربان و غیر آن  
 میگویند که اینها در موسیقی که آنرا در زبان عرب غنا و در فارسی سرود  
 و در هندی رال میگویند میخوانند و نیز آنها خود معترف اند که مادر موسیقی  
 شیخانیم پس در اینصورت از استماع آن اجتناب واجب است یا نه و  
 بعضی فتوی چنان نوشته دیده ایم که اکثر مرثیه و غیر آن بدون تحریر  
 مطرب بخوانند و در عرف آنرا غنا و سرود گویند اجتناب کند آیا مراد از  
 عرف همین است که صاحب شناسان این فن مثل مطربان آنرا غنا  
 گویند جواب هرگاه ترجیع و تحریر داشته باشد حرام است و اگر رعایت  
 عرف عام در اعدای آن نیز بکنند حوط است و الله اعلم **مسئله**  
 چه میفرمایند علمای اهل شیعہ و اهل سنت در این باب که عشره محرم که برای  
 گریه و بکا شیعہ بابوت حضرت امام حسین علیه السلام میسازند بنا بر بکا و تغزیت  
 از یک تغزیت خانه بغراضه و یکری می برند و بموجب حکم پادشاه اسلام این  
 امر مروج بوده و رعایای پادشاه بر این امر ماذون شده باشند

و بتاکید اکید از جانب پادشاه اسلام مخالفت شده باشد که احدی از رعایا  
در صدور این قسم اسم مصد فساد و فتنایا نشود اگر کسی از اهل سنت و  
جماعت خلاف حکم حکم بر تشبیه تابوت که جماعتی از فرقه شیعه منجمه رعایای پادشاه  
اسلام به حجت لازم آن شاهی که بنا بر حفاظت و انسداد فساد متعین بوده باشند  
از رکبذری می برند مگر خویش اندازی نمایند و تف اندازند و از صدور این حرکت  
مردم هر ایوان تابوت نظر بر تنگ عزت و ابروی خود را بکلی نظر امانت و تنگ  
عزت تشبیه تابوت امام استند تا نمایند که بانی این حرکت را بسراستند و  
تشنه سازند شرعاً جائز است بانه اگر پادشاه اسلام نظر بر تنگی از اشخاص  
نهایت تنگ عزت و اساتاد نسبت بشبیه تابوت سبط رسول  
بعمل آمده و نیز حرکت خلاف حکم والی ملک بظهور رسیده و انکس از حرکت  
ناشیاست باعث مفسده عظیم حتی که نوبت قریب بقتل و خون فیما بین  
رسیده نظر بر این وجوه پادشاه اسلام را میرسد که اشخاص تشهیر و یا سحر  
و انجمنی کند به تحقیق هر تنگ است که در رای پادشاه اسلام مناسب منظور  
میشود میدارد یا نه بنیوا و توجروا **جواب** قال الله تبارک و تعالی من  
يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب یعنی کسیکه تعظیم نماید چیزها

چیزی را می که علامت و شعایر عبادت الهی است پس آن تقوی و هر پیرکاری  
 و لها است بنا برین کریمه چنانچه تعظیم نقل کعبه معظمه و روضه منوره طایفه و  
 تعظیم مبارک و مانند آن برابر اسلام لازم و مستقیم است هم چنین تعظیم نقل ضرایح  
 مقدسه این بیت طاهرین و نقل تابوت و غیره شعایر تعزیه داری بر کافه  
 اسلام واجب و لازم است و امانت آن منجر بآستخفاف آن حضرت است و امانت  
 ایشان مستلزم امانت بجناب رسالت مآب است العیاذ بالله منها قال  
 رسول الله من اکرم اولادی فقد اکرم منی و من اهانهم فقد اهاننی یعنی کسیکه  
 تعظیم نماید اولاد مرا پس متحقق که مرا تعظیم کرده است و هر که امانت ایشان  
 نماید امانت من کرده پس بکسی که ترکب امانت با موی مذکوره شود تعزیر او  
 بنا دایب و نقی بد و امانت آنکس واجب و لازم است تا باعث عبرت دیگران  
 و موجب هدایت ابواب فتنه و فساد شود و الله الهادی و هر زکاک مستحب  
 و اربعین بعد الاف و مائتین من الهجرة **سوال** اگر شخصی در سفر باشد  
 و علیه شهوت باشد یا در حضر باشد زن زانیه را بطلبید برای متعه از او بپوشد  
 انیکه بعد آمدن خون حیض کسی از تو زنا کرده است یا نه ضرورت است یا نه و  
 تحقیق این لازم است یا نه پس اگر او بگوید بلکه قسم یاد کند که بعد آمدن خون



جیض که بمن مطلق نموده است بر لفظ او است باریکد یانه و اگر درین مسئله  
 علم از راه احوط باشد قسم احوط را ارقام نمایند بنیوا تو جبر و **جواب**  
 عدم علم بعدد کافیست نفی ضرورت نیست لکن هرگاه فلان از جمله شهرات  
 بنما باشد متعذر نکاح با او اگر است شدید دارد و الله **سوال** کبوتر  
 با خود تیرا میکند که اگر کبوتر تو بجان من بیاید من ندیم و اگر بجان تو کبوتر  
 من برود تو دمه پس اگر کبوتر یکدیگر گرفته بفروشد بیع آن صحیح است  
 و از گرفتن کبوتر یکدیگر بموجب قرار مدام مقرر گشته می شود یا نه در صورت  
 تمسک داشتن این گنه از جمله حقوق الناس است **جواب** این معامله بطلان  
 بقوانین شرعیه ندارد و جای مواخذة است و بحق الناس نیز تعلق دارد  
 و الله **سوال** جناب سیدنا مولانا مجتهد العصر مقتدای زمان  
 قبله و کعبه معتقدان تراد و جلالة بعد لوازم ماوجب عرضه میداد چون  
 استفتاء این بستنی بدین عبارت مزین بدستخط خاص کردید که اگر  
 فی الحقیقة از اولاد دائمه و چنین کسی باشد حالش مثل حال پسر نوح  
 خواهد بود و الله **علم** قبله من ازین دستخط و جمعی بنده بطوریکه میخواستم  
 نمیشود چه اینکه سوال من اینست که سید سنی میشود یا نه و از سنی چه

چه مراد است اگر سنه دشمن البیت را میگویند پس از اکثر احادیث ثابت  
 میشود که دشمن البیت نمی باشد مگر ولد الزناد از رباعی مشهور که نیست  
 بر باطنی دوشم دیدم چون حسین را بر ملا گفتم ای شاه شهید  
 سیدنی هم از نسل شماست گفت لا والله لا والله لا نیز مستفاد میشود  
 که بنی فاطمه سنه نمی باشد پس از روی احادیث معتبره درین باب آنچه که  
 پیشین جناب ثابت است و متحقق باشد ارشاد فرمایند و در سئله دوم که یک  
 حکم شد و صورت کفر شریک نسبتی بکار نمی آید و الله تعالی من شرع  
 کافر بهیست و از صد و کدام فعل اطلاق کفر میکرد و کافران مخلص بنا بر  
 خواهند بود و یا امید نجات آنها هم مثل عاصیانست و مقتدر کفار نیز حکم کفار  
 دارند یا نه مفصلاً و شر و حار شاد فرمایند جواب بسم الله و بالله سیدنا  
 بحسب نسب نمی باشد و ایمان و عدم ایمان بحسب اعتقاد میتوانند  
 که سید سنی و فاسد العقیده باشد لکن سیادت برای او قیسه  
 ندارد و وجودش کالعدم است چنانچه کبریه آنه لیس من الاله و حق لیس  
 حضرت نوح ۲ دلالت بر نفی شرافت نبوت نبی از او دارد و شاید  
 کلام شاعر هم همین مراد باشد نه اینکه سنه اصلاً سیدنی باشد معنی

شعرو شاعر را در سایل دین چه مصرف و نسیان اگر چه در باطن همه سمنان  
 اهل بیت اند لکن بعضی را صبیحی و بعضی را بعد اوت اهل بیت میباشد و بعضی  
 صبیحی عداوت و ظاهر امر را از بعضی احادیث که دلالت دارد بر آنکه دشمنان اهل بیت  
 اولاد زنا میباشد اینست که اکثر مردانیکه اظهار و اعلان عداوت مینمایند  
 از اولاد زنا یا شرک شیطان بهم رسیده اند و این حکم هم بر سبیل کلیت نیست  
 بلکه بنابر اکثریت غلبیت است و بخادما من عام الامم و جنس اکثر عجمیات  
 مختص میباشد و شاید این حکم مخصوص بقا تمان ائمه دین باشد یعنی  
 کسانی که ترکیب تسل ایشان پرست خود شده اند یا اعم از قاتل و ساعی  
 فی القتل لکن در این صورت باز بنابر اکثریت خواهد بود و کافر کسی است که  
 منکر یکی از ضروریات دین باشد یا ترکیب امری شود که باعث خروج او  
 از اسلام باشد و مثل زنا پرستیدن و ناقوس زدن و بت پرستیدن و  
 تعظیم تبار کردن و مانند آن و الله اعلم سبوا لجناب امام حسن علیه السلام  
 بانکه اگر اهل معویہ بیعت معویہ قبول فرمودند و جناب امام حسین با وصف  
 تحمل مصائب بیستار بیعت نیرید ملعون قبول نفرموده شربت شهادت  
 نوشیدند و علما بکفر نیرید و معویہ هر دو قایل اند پس جواز بیعت یکی و

و عدم جواز بیعت دیگر بر او جوی معلوم نیست آیا ائمه هدی به تکلیف و عدم  
 مکلف بودند یا بتکلیف جدا جواب چنانچه تکالیف انبیاء بحسب تفاوت  
 مصالح و در حکم متفاوتست که جمعی از ایشان بامور بجدال و قتال و بر حرم  
 از ایشان بامور بیدایت و ارشاد و لسان فی فقط و بعضی سبوعوث بزرگ  
 خود و بس و بعضی دیگر سبوعوث بر بعضی بر کل و بعضی بامور بزرگ  
 و لد بوده اند و بعضی نه بلکه نسبت نبی واحد هم در اوقات مختلفه تکالیف  
 مختلف شده مثل استبانه فی الشعب فی الغار و الهجرة و جهاد و غزوه بدر  
 با قلت انصار و صلح در حدیبیه با کثرت یار و مدد کارالی غیر ذلک هم چنین تکالیف  
 ائمه هدی نیز و برای هر یک از ائمه دین بمبین صحیفه بوده که تکالیف  
 شان مرقوم پس صلح اضطراری امام حسن در وقت اکراه معویه  
 که در حقیقت مثل اکراه زید بوده هم بامر الهی بود و جهاد امام حسین علیه السلام  
 هم بامر الهی سوال در صورتیکه نسبت زید با بنده مقرر شده باشد  
 که در هندوستان آنرا سنگینه گویند هنوز صیغه نکاح واقع نشده آیا در  
 طرفین محکوم بحکم نکاح میتو نمند جواب دختر یا ولی او اختیار دارد  
 با هر کس که خواسته باشد نکاح بکند زید را اختیار بر نکاح نیست و نسبت

شرعا اعتبار ندارد سوال با قول العلماء رحمهم الله زید برادر حقیقی خود عمرو  
 نام و یک برادر زاده کسی سلیمان و یک زوجه و دو دختر گدشت و بیوه  
 مذکور با امید دارند در صورت با وجود دختران که ذوی الفروض اند به عمرو  
 و غیره که از اعصاب اند حصه میرسد یا نه و زوجه زید را از اراضی و غیره  
 از قسم عمار که متروکه زید باشد نصفی خواهد رسید یا نه بنیوا تو جبر و اجواب  
 هرگاه دختران موجود اند دعوی عصبه در مذکور حق اما میه باطل است  
 و زوجه ذات الولد علی المشهور شریک وارث است در زمین و عمار  
 و الله العالم سوال چه حکم میشود در صورت که شخصی شهری فوت  
 کرد و او را باین غم در صندوق نهاده سپرزین نمودند که شهری دیگر  
 برده دفن سازند جواب نقل میت بعد دفن اگر چه بقصد امانت باشد  
 خصوصاً هرگاه نقل بغیر شهادت مشرفه مطلوب باشد ظاهر آنست که جایز  
 نباشد و الله یعلم سوال اگر نعش را بغم مرقد در صندوق داشته باشد  
 زمین بجای محفوظ امانت نهند جواب هرگاه دفن فی الارض صادق  
 نیامده چنانکه بالای زمین که صندوق را بخت و اجر حیده باشند پس اگر  
 چه از خشت ترک دفن احتمال اثم دارد لکن نقل در صورت عدم تسلیم

استلزام منته شدن میت مضائقه ندارد و الله اعلم **سوال** اگر پدر شخصی  
 بازنی و طی سجرام نماید یا که لمس و تطریب شهوت از روی حرام کند یعنی  
 بغیر عقد دائم یا منقطع امور مذکور واقع شوند چنین زن بر آن شخص حرام است  
 یا نه **جواب** موطوءه پدر بر پدر حرام است و اگر شهوت منطوره و موطوءه  
 پدر بر پدر است هرگاه شهوت بوده باشد **سوال** سنیه زنیکه در شرمه ماه  
 محرم بلکه در جمیع مجالس تغریب جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء بنمایند  
 آیا واجب است یا سنت و یا مکروه یا حرام و در صورت ثبوت  
 یکی از مثله اول هر یک از تفریطش به نحویکه کسی آن صادق آید و اگر در اثر  
 بحدیکه با تشفاق جلد و یا غشی بعضی از اهل مجلس انجام کدام حکم از احکام خمس  
 خواهد داشت بنیوا تو جرد **جواب** هرگاه ضرب بر آن مرتب شود حرام است  
 والا اگر از جهت اعانت بجای آید از خالی از رجحان نخواهد بود و الا سبکی  
 که بعمل می آید ثوابی نخواهد داشت و الله اعلم **سوال** زید را از  
 زوجه خود چنان اتفاق افتاده که در میان هر دو شخص گفتگوی بیطو میماند  
 چنانچه زوجه خود را در خود گفته بعد از مدتی غم مراجعت با او نموده پس  
 حکم شرع در این صورت چیست **جواب** اظهار بدین دو شخص عادل محفوظ

نمیشود توبه و انابت ازین کلمات نمایند و نحاح سابق باقی است و دیگر طریقی  
بیچ چیز نیست لکن قبل بر حجت دوطی اگر کفاره بدهند احوط است و کفاره  
ظاهر بنده آزاد کردن است و اگر ممکن نباشد روزه دو ماه پیانچی نگه دارد  
و اگر نشود اطعام شصت سکین و الله العالم **سوال** چه میفرمایند علی  
دین و مفتیان شرع متین اندر این صورت که زید شیعه مذہب زینت دختر  
خود را بعمرد که مذہب اہل سنت دارد در صورت غیر امکان اجتناب <sup>مقتضی</sup> سوا  
مذہب اثنا عشریہ کہ مراد از صیغہ است نحاح کرده و او در مدت العرفیہ  
بین خلوت صحیحہ واقع شدہ پس در این صورت زنا واقع شدہ یا نہ بینوا  
توجہ و اچواب در حال حمل سئلہ کہ دوطی در چنین نحاح بوقوع آمدہ  
در حکم دوطی شبہ شدہ است زنا نیست و آیندہ اجتناب آترن از ناکح  
مذکور حتی الامکان لازم است و چون سئلہ اختلافیست احوط آنست  
کہ ناکح مذکور را بر خلع و طلاق راضی کردہ مفارقت جوید و الله اعلم  
**سوال** حضرت شہر بانور اذو الجناح در کدام جا برده بود و بعد از  
چند عمر شریف آوردند جواب روایات در حال حضرت شہر بانو  
مختلف دارد گشتہ بعضی از آن دلالت میکند بر آنمیعنیکہ جناب ایشان

ایشان سواره ذوالجناح راه می‌رفتند تا اینکه بزرگوارات رسیدند و خود را  
در آن انداختند و از بعضی چنان دریافت میشد که در خبری از جزایر  
رسیدند و اصح روایت اینست که ایشان داخل اسپران محرم محترم بودند  
و بهر اسب بشام رفته بودند سوال نکاح جناب سیده ۴ در کدام سال  
و کدام ماه و کدام روز و کدام وقت و بچه مهر شده است جواب در روز  
اول ذی الحجه و بر دایمی در تاریخ سیوم آن و بقولی در روز شنبه  
ششم ذی الحجه بوده در سال دوم پسیم هجرت و حق تعالی بهشت  
و دوزخ را مهران حضرت گردانیده که دوستان خود را داخل بهشت کردند  
و دشمنان خود را داخل جهنم و خمس دنیا و چهار نهر و در مهر آنحضرت قرار داد  
که نهر فوات و نیل مصر و نهران و نهر بلخ باشد و جناب سولخدام پانصد و نهم  
مهر آنحضرت مقرر فرمودند و آن سنتی برای است خود قرار دادند تا است  
آنحضرت بآن جناب پیروی نمایند و امر بر ایشان شکل نکرده و پانصد و نهم  
شرعی بحجاب هندوستان فریب یکصد و هفت رویه که میشود و مقصود  
از آنست که فقیر و اغنیای است آنحضرت در جناب پیروی آنحضرت  
نمایند که دلها بی فقرای مؤمنان تنگ نشود سوال حضرت فاسم



در معرکه که با همراه جناب امام حسین علیه السلام شدند باینده و کجای ایشان از  
 کبری در کربلا شده است باین جواب در شهادت حضرت قاسم ۲۲  
 معرکه کربلا شک نیست و حال دامادی آنحضرت بود که اکثر کتب احوال  
 بنظر رسیده لکن در کتاب فخری و دیگر کتب معتدله تواریخ موجود است  
 و الله اعلم سوال بنده زوجه زید پلید محب جناب امام ۲۲ بود باینه جواب  
 تعرض تفصیل احوال بنده مذکوره در کتب معتدله ننموده اند مگر بعضی روایات  
 دلالت بر محبت او فی الجمله نسبت باهل بیت اهلای علیهم السلام دارد و بهر  
 حال اگر اعتقادات حق داشته محبتش باعث نجات او خواهد گردید  
 و الله اعلم البیاد سوال اگر کسی نزد شخصی مبلغی امانت داشته باشد  
 و استیذان به استیجار در مصرف مبلغ امانت بطریق استقراض بکار  
 باشد پس عند الضرورت شخص امانت دار یا محمول الیه از مبلغ امانت  
 حاجت روائی خود میتواند کرد باین نیست که باز در مبلغ امانت آنچه گرفته است  
 شامل کرده زیرا امانت را مکمل بازد پس فتن زری برای چند روز  
 از مبلغ امانت مذکور جایز است باین جواب اگر اذن فحوائی حاصل باشد  
 مضایقه ندارد و الا جایز نخواهد بود و الله اعلم سوال چه میفرمایند

بیفرمایند از این صورت که زنی در محبت رقص و سرود که در اکثر ستون  
 شهر میشود بتقریبی رفته بود هنگام سرود کردن بعضی مطربان را که در  
 ناگه بند چهار آنست و هشت آنی که ربع و نصف و پیه میشود بطریق انعام  
 که آنرا سیل میگویند ستواتر داد بعد از آن زن مذکوره را ضرورتی  
 داعی شد که و پیه داده چهار چو آنست از رقاصه و مطرب باز گرفت بطور  
 بدل و عوض و همان نقد را در صرف خود آورد و شد به کاذور و غیره که  
 شوب پارچه نازی نموده بود و نزد ادبش چنین نذر که با احتیاج  
 صرف کرده و بکاذور و غیره در اجرت داده از همچنین به وجهی که بابت شوب  
 آن اجرت از نقد مذکوره داده ناز صحیح است یا نه و عبادات و چنین  
 پارچه جایز است یا نه جواب چون مال خود نیکس بود که و پس گرفته  
 در آن وجه حرمت معلوم نمی شود آری دادن عوض در چیز پاک است  
 ان شرعاً حق نیکس بود بی وجه است بگرد صورت اینکه اجرت  
 مغل حرام نباشد و الله اعلم سوال گویا پس زوج در حق  
 ما و زوج و عتد شرع مقبول است یا نه جواب سموع است هرگاه  
 دیگر شرط شهادت در او مجتمع باشد و الله اعلم سوال در ایام محرم

که صنود برای زیارت می آیند پشت بپیش از دست نهود بآنها نوشتند  
 چه حکم دارد جواب اگر شربت نذر باشد سوای شیعه کسی ندهند و الا  
 نوشتن آن بکفار ممنوع نخواهد بود سوال بجزوات پاک چه کرده  
 معصوم علیه السلام دیگر بر چه معصوم میتوان گفت یا نه چنانچه مردم  
 خوردن سال را معصوم میگویند یا مرد ساده لوح را معصوم یا معصوم  
 صفت میگویند یا غیر چهارده معصوم را معصوم گفتن جایز است یا نه  
 جواب معصوم علی الاطلاق غیر حضرات انبیاء و ائمه هدی علیهم السلام است  
 دیگری نیست مگر آنکه منصوص باشد مثل جناب سیده صلوات الله علیها  
 و عصمت مفیده و مجازی و در دیگران نیز محقق میباشد و عصمت <sup>بصطلح</sup> حقیقیه  
 مخصوص انبیاء و اوصیاء است سوال شخصی استخاره خوب آمد  
 و از کدام سبب خواه عذاب بر آن عمل نموده و نیز صورت انشخص معذب است یا نه  
 جواب گناه نیست مگر آنکه استخفاف استخاره کرده باشد سوال  
 چه میفرمایند علمای دین امامیه که آبا و اجداد زید مذہب اهل سنت دارند  
 لکن زید بذات خود مذہب امامیه اختیار کرد بدل اعتقاد بر اصول خمس  
 سید آمد مگر اعلان تبرّ البسبب کفو بر اداری نمیکند حالا مقدمه عبد الله بر

برادر زاده اش در عدالت امامیه رو بکار شد عبدالله مذکور از قاضی عدالت  
میگوید که بدون تبرای و بکاری مقدمه زید نخواهم کرد چرا که من و زید هر دو  
مذهب سنی و از دوزید انکار از مذهب اهل سنت کرده میگویند که من  
مذهب اثناعشری دارم مگر بجهت کفو برادری تبرای نمیکنم پس در صورت  
مذکور قاضی علمای امامیه را میرسد که بر قول عبدالله از زید تبرای کنند  
مقدمه اش رو بکار سازد یا بقر استغیث زید فیصله مقدمه او موافق  
مذهب امامیه کند بینوا تو جبر و اجاب **حکام** شرع شیعی را سماعت  
مقدمه شیعه و سنی درست است لکن گاه است که حکم شرعی در باب  
سنن و شیعه مختلف میباشد اگر بنا بر تحقیق مذهب بنطلویش باشد  
بر آنچه مدخلت و تحقیق مذهب دارد نفییش میتواند کرد و اگر اعلا  
بسبب موانع متصور نباشد با خفا و کتمان دریافت سازد و الله اعلم  
**سوال** مشهور است که حضرات ائمه علیهم السلام از جمیع انبیاء علیهم السلام  
افضل اند مگر از پیغمبر مذهب مختار جناب هم بین است یا نه **جواب**  
بل بین است **سوال** شخصی گناهان کبیره و صغیره بسیار کرد و  
تائب شده بعد توبه باز بمقتضای بشریت مرکب معصیت کرد

و باز توبه نمود و این صورت توبه مانده و ثالث جایز است جواب  
 به هر حال توبه و حبس است **افاده** بعضی مصنفین از سوانح وقت  
 مفید بسبب تخریر میشود مخفی نماید که لعن و تبری لسان اگر چه  
 شرط ایمانی نیست لکن در غیر محفل تقیة العبادات است و اطعام  
 مؤمنین هم از جمله قربات پس اگر مورد اعراض معترض جمیع میان  
 اطعام و تبر است جویش آنکه جمیع بین العباداتین جمیع بین التقصیر  
 نیست که استحیل باشد و ضم عبادتی با عبادتی دیگر هرگاه بنیت  
 تشریع نباشد مورد ایراد نیست تواند شد و اگر غرض معترض باشد  
 و وجه تخصیص است پس تخصیص غیر مسلم بلکه در مجالس عزای جناب  
 سید الشهدا علیه السلام و بعد خوردن آب و مانند آن متعارف و چون  
 طعام حاضری غالباً بنده و ریبا شد و منظور نا ذرین اطعام مؤمنین  
 است و لب که مخالفین بر ترویج بطمع نان و پیر با سبراق شیرین  
 خوردن آن طعام میشوند لهذا تبر از محکم امتحان و فاق و نفاق  
 قرار داده اند و آنکه عظمای علمای اهل سنت تخصیص بعضی بدعا  
 ببعض اوقات نموده اند مانند احوال الصلوات خیر من الثوم در

در اذان صبح و شور انگیزان مخصوص بعضی عبادات مطلقه بعضی  
 اوقات \* بین تفاوت ره از کجاست تا کجا \* اما احتجاج اهل خلاف  
 بکرمیه استخلاف بر حقیقت خلفای ثلثه پس از علییه صحت عاریست زیرا که  
 اگر استدلال بلفظ استخلاف نمایند بطریق صحت که خلافت مصطلحه  
 که اصطلاحی است مستحدث حمل بر استخلاف بر آن درین کرمیه غیر صحیح  
 بلکه مراد از آن مطلق تسلط سلیمین در اقطار ارض است و بس کیف و  
 اگر مراد خلافت مصطلحه باشد لازم آید که جمیع مؤمنین خلیفه بحق باشند  
 لقوله تعالی لنستخلفنهم یعقل لنستخلفن بنهم و استخلاف بعضی و بعضی  
 مستلزم خلف و عدست مع هذا اگر این احتجاج بر حقیقت خلافت ثلثه  
 تام شود حقیقت خلافت نیز بدو مروان و سایر بنی امیه و بنی عباس  
 لازم آید و هو کما نهوی و اگر احتجاج بنکین دین مرضی است که در عهد  
 خلفا مستحق کشته پس انهم از علییه صحت عاریست زیرا که وعده تکمیل  
 دین مرضی در حال حیات جناب سید المرسلین صلی الله علیه و آله بصلحا  
 مؤمنین مخاطبین از قبل رب العالمین بوقوع آمده پس لامحاله همان  
 دین که در آنوقت داشتند مراد بوده باشد و آن دین اسلام

بود و پس آن الدین عند الله اسلام و آخر آیه که بعید و تنی و لاشیر کون  
 بی شینا میباشد هم بران نام است اعتقاد بخلاف شیخ ثلثه  
 خارج از دین اسلام است و داخل در حشو و زواید سیما بنابر حدیث  
 عامتیکه خلافت را از فروع میدانند و اگر در نفس الامر در دین مرضی  
 داخل میبود بایست که کریمه مذکوره سودی اینمعنی میبود که وعدت  
 الدین اسنوا منکم فانه سیحصل لهم و منینهم الذی ارغضی لهم و انضیا  
 اکروین مرضی بهمین باشد باید که در زمان جناب سید المرسلین  
 دین غیر مرضی باشد و لا یقول به قائل و توهم نشود که هرگاه دین  
 مرضی عبارت از محض اسلام باشد نجات کافه اهل اسلام لازم آید  
 لان المنجی هو الدین المرعی زیرا که مسلم نمیدارم که مطلق دین بر  
 منجی است بلکه شروط و شروط عدیده است قال ابو الحسن الرضاه علیه السلام  
 تعالی لا اله الا الله حصنه فی خلصنا من من عذابی ثم قال بشرط طها  
 و انما من شرط طها و قاعده ما من عام الا و قد خص که بین الفرقین مسلم  
 است هم مقتضای ضافه قیود و شروط است نه ذاتی و تدریجی الا آیه و  
 ظاهر ما انما یلها و باطنها نکما نطققت به الاخبار المستفیضه و

و لا نارا المنتظافه انما يكون في عهد القائم عليه السلام حيث يظهر فيلاد  
 الارض قسطا وعدلا بعد ما ملئت جورا وظلما زیرا که تکلیف تمام  
 و ارتفاع خوف و خشیه از تمام عالم و انحصار عبادت او تعالی در توحید  
 و جمیع اقطار ارض بخانجه مفاد تخلیه ارض ملام است الی الان در عهد احد  
 از خلفا و ملوک بنصفه ظهور رسیده و باتفاق فریقین در عهد کرامت  
 مهد مهدی آل محمد این همه امور واقع خواهد شد و هو قریب و انهم  
 یرونه بعیدا و نراه قریبا فاشترطوا ان یسئلوا معکم من المنتظرین ثم نقول  
 بنقره آخر مراد الهی از تکلیف دین تکلیف فی الجملة است یا تکلیف تمام علی  
 الاول تکلیف کذا فی بعضی که معظیه و ما والا یا متحقق گشته پس آن  
 تکلیف مراد الهی بوده باشد و علی الثانی بطاهر است که تکلیف تمام بآن  
 که مشرکی بر روی زمین باقی ماند و مؤمنین بخوف عبادت او و  
 تعالی نمایند و در عهد کس از خلفای ثلاثه و در اعصار یکی از بنی  
 امیه و بنی عباس متحقق گشته بلی در عصر حضرت صاحب العصر  
 بمقادیر و ایات تنفیضه فریقین متحقق خواهد شد انشاء الله تعالی  
 و بوجه دیگر سیگویم مقاربه و فایز بوعده در مواعد غیر موقته لازم است



یا نه علی الاقل مقصود از تمکین موعود همان فتح مکه و غیره خواهد  
 بود که در عهد حضرت مقدس نبوی صلی الله علیه و آله بمبوضه ظهور  
 رسیده و علی الثانی اختصاص بعهد خلفای ثلاثه نخواهد داشت  
 بلکه از سده ملوک دینار و سلاطین صفویه و فرمانروایان ایرانیه درین  
 احتمال داخل خواهد بود و بقاعده انصراف مطلق فرد کامل  
 احتمال وقوع تمکین موعود در عصر حضرت قائم آل محمد ارجح و اصدق  
 خواهد بود **سوال** که از مال من بعنف چیزی گرفته باشد یا  
 سلطان باو بخشیده باشد چه صورت دارد **جواب** اخذ مال  
 بجهت تعدی از هیچ کسما مجایز نیست اگر چه سنی بوده باشد و اما  
 مالیکه سلطان بکسی بیه منموده باشد ما و اسیکه عالم بمرمت عین آن مال  
 بنوده باشد حکم بمرمت آن نمیتوان نمود و در ظاهر شریعت مظهره  
**سوال** چه میفرمایند مصابیح است مرحومه علمای فرقه  
 ناجیه امامیه و مفتیان ملت حقه جعفریه اندر نیمیعی که تحریر کلام الله  
 مطلقا عام از کتاب سواره غرام و غیره و تعلیم عقاید دینی و خواندن  
 صیغ نخلح و پیش نمازی نمودن اجرت بر این اعمال گرفتن

گرفتن جائز است و دوم اینکه در اصطلاح اهل شرع اجرت کرامی گویند  
 سیوم اگر شخصی صیغه نکاح شخصی یا تعیین مزدی از سابل  
 خواند و بعد ازین متعاقبین با اولیای آنها چیزی از نقد و مجلس  
 بنکاح خواندن دادند پس این نقد و مجلس داخل اجرت است  
 یانه چهارم اگر امیری برای فاضل عادل علوفه بنام مزد پیش نازی  
 خواه بلا تقرر خدمتی معین کرد و نماز عقب او میخواند یا این علوفه

داخل اجرت است یانه بنیوانو جبر و اجواب

اخذ اجرت ممکنات کتاب الله جائز و همچنین اجرت ایقاع عقد  
 نکاح اما نکاحی دینیة پس اگر بقدر وجوب باشد اخذ اجرت بران حرام  
 و اگر زائد بر آن بوده باشد مانعی ندارد و در جواز اجرت براماست  
 جماعت اختلاف است و حدیث صحیح دلالت بر اینی و حرمت دارد  
 و اجرت بحسب اصطلاح فقہ عبارتست از مزد و عوض معلوم معین  
 که در مقابلہ عمل معین در صیغه اجاره واقع شود و ضرورت از تغییر  
 نمودن و عمل بادت ان فیما یزاجیر و ستاجر و محتاج بصیغه

اجاره است کونیزبان غیر عربی باشد اما آنچه متعاقبین یا اولیای  
 آنها بدون تعیین عوض از قسم نذر و هدیه برای خواننده نجات  
 و اخل اجرت نیست و وظیفه که با شرط پیش نمازی بنام کسی مقرر  
 شود مانع نماز خواندن پشت سر او نمیتواند شد و الله اعلم  
 روایت عقد حضرت کلثوم علیها السلام بخلیفه ثانی <sup>علیه السلام</sup> علیه ما علیه صحیح است  
 یا نه و اگر صحیح است علماء مذاهب عقد مؤمنه با کافر و کفر با جائز  
 فرموده اند و کفر خلیفه ثانی بنظر عصب خلافت ثابت پسین است  
 له جناب امیر علیت سلام با منرا جائز شرع بجبر و اکراه احدی امر با کدام  
 آن فرموده باشند و آنچه بجواب این سئله میگویند که عقد مذکور با کفر  
 لروده بود خاطر این جواب مطمین نمیگردد زیرا چه نسبیا و اوصیای  
 برگزیده اکراه کسی با منرا جائز شرع اقدام فرموده اند و دلیل برین  
 آنکه زینجا هر چند یوسف علیه السلام را بطمع حصول غرض خود اصرار  
 و اکراه بمبالغه تمام نمود ولیکن تمنایش از یوسف علیه السلام کسب  
 نه انجامید چو ارباب اولاد و ایت تزویج حضرت ام کلثوم بدرجه  
 نبوت و صحت نرسیده لهذا بعضی از اعلام علیهم السلام شیخ مفید

مفیده و سید مرتضی علم الهدی ره انکار آن فرموده اند و کیفماکان چون  
 از اخبار احاد است مفید قطع و یقین نیست ثانیاً بر فرض تسلیم آن علم  
 جواز انکاح مؤمنه با منافق و مخالف شرط است بعدم ضرورت شریع  
 و الا فالضرورات تبیح المحظورات و مراعات بجانب ضرورت در نظر شارع  
 اہم قال ابنی صلی اللہ علیہ و آلہ مخاطباً بعبائشہ لولا ان قومک احد ثواب  
 عمد ناجا ہیتی و اخاف ان یکر قلوبہم لامرت بالبیعت ہم الی غیر ذلک  
 و نیز در تاریخ خمیس و یارگیری کہ از کتب معتدہ اہل سنت است آورده  
 کہ ہر گاہ اکثری از مردمان بشرف اسلام شرف شدند ابو العاص کہ شوہر  
 زینب بنت رسول خدا بود سلمان نشد و آنحضرت بنا بر مغلوبیت  
 وضعف اسلام ارادہ نسخ نکاح زینب از ابو العاص نفرمودند استہ  
 محصلہ ہر گاہ رسول مختار بنا بر اضطرار و خوف شر شرار نسخ نکاح نفرما  
 اگر و می بحق آنحضرت بسبب قلت اعدا و نصار و مخافت از اضرار ایشان  
 تا ہنجار با نکاح بنت خود با سیکہ بطاعت کلمہ کو باشد کو بیاطن نمود  
 فرماید چہ جامی استغراب و استبعاد باشد و قیاس بخن فیہ بر حال حضرت  
 یوسف علی سینا و علیہ السلام قیاس است مع الفارق زیرا کہ اولاً

ضرورت شرعی برای حضرت یوسف ثابت نیست کیف اگر احتمال منفرت  
 از جانب امراة غریبه در ترک ایقاع بوده مخافت نفس در صورت ایقاع  
 و بر ذان آن از به نیت غریبه صراحت داده بود و ماع قطع المنظر عن مخافت  
 الغریز المتعال علاوه آنکه حضرت محض حجب و حبس سرنج امر غیر مباح  
 کلیه نمیتواند شد و معلوم نیست که آنحضرت را در ترک آن پیش از نیت  
 خوفی بوده باشد بخلاف خوف اشتغال با امره قتل و جلال و بر باد  
 ابق و اموال و احتمال در میان دین اسلام و مثال آن از مفاسد عظام آید  
 ما نحن فیہ منقون و بلکه مقطوع بوده پس قیاس جناب حضرت یسیر بر  
 چنین مضار کثیره نمیتوان کرد و ثانیاً تکالیف شرعی با اختلاف احکام  
 و اوقات تکلیف مختلف میباشد پس امیکه اباحت زنا با ذوات البعل  
 در حکام ضرورت و همچنین مساوات آن ملت با این شریعت و بحکم  
 ثابت نشود قیاس محض از اساس خواهد بود و این مورد و امر از علیه ثبوت  
 عاریت علاوه بر آن اجبار و الجای محض بر ایقاع در جانب جلال اگر  
 محال نباشد لا اقل محل اشکال است چه وقوع ایقاع بدون انبعاث  
 قوای شهوانیه و انتعاش غبایع حیوانیه صورتی ندارد و مشاهد است که

که در به کام مخالفت دین و پیاضمحلال قوی و آلات مانع انبساط عصبها  
و عضلات میگرد و پس چگونه میتواند شد که نفوس قدسیه انبیا و  
ابصیا با وصف استیلائی خوف و خشیت الهی مایل و راغب از تکلم  
انسانیه میشوند اما مجر و تهدیدات پس تسویغ آن برای منهیات  
که انبیه ممنوع است و غیر مسلم نهامع ضیق لجمال و توزیع البال المانم  
عن تفصیل نه الا جهال و الظلمه اوی الی السواب فی کل حال **سوال**  
قول العلماء انما سیه که زید بر فی زنا کرد و آثرن از شخص دیگر و خمر سے  
وارد پسندید خواهد که بدختر مزنیه نکاح کند جائز است یا نه **جواب**  
نزد اکثر از علمای ما جایز نیست و بعضی از ایشان جایز  
داشته اند و امام سنیان شافعی و تمام شافعیه نیز تجویز آن نموده  
اند سید لین بظاهر الکتاب و حسبهم کتاب الله چون احتیاط در  
مقدمات فرود اجتماعت از آن لازم و مستحکم و احوال و از علمای  
سنیان قائل شده بجلت نکاح ربیبه که در حجر مشکوحه نباشد و بعضه  
از روایات ایشان نیز دلالت بر آن دارد و سائر اهل اسلام نیز خلاف  
آن اجماع نموده اند و الله اعلم **سوال** چه میفرمایند علمای دین

قوله تعالى اصل لكم ليلة الصيام الرفث الى نسائكم هرآن جزو شب را که  
 فرض میکنم در آن جزو حلت جماع بحکم نفس مییابم پس بضرورت حلت  
 نسل در یوم شد بینوا توجروا جواب اگر در هر جزو  
 شب از اول تا آخر حلت جماع ازین نفس مستفاد شود و مراد باشد  
 پس لازم می آید که وجوب نماز مغرب و عشا نیز ساقط شود زیرا که  
 هرآن جزو شب از اوقات مغرب عشا که فرض میکنم در آن جزو  
 حلت جماع بحکم نفس که مضموم السائل مییابم پس بنا بر زعم سائل نماز  
 یوم و جب نباشد چنانچه غسل جنابت را واجب است نه فها وجوب  
 فهو جوا بنا علاوه آنکه اگر قرآن مجید و جمیع احکام برای سائر خلق که  
 میبود چرا احتیاج بحدیث نبوی و دیگر ادله شرعیة متحقق میشد و  
 معلوم است که اکثر احکام مثل عدد رکعات و ایض بوسیله و نظایر  
 آن در طوهر قرآن مجید تبیین نشده بالجمله بقتضای حدیث متفق  
 علیه فی تارک فیکم لتفیلین کتاب الله و عترتی الیهیتی لن یفرقا  
 حتی یرد اعلی الحوض جمیع خلق ما موراند به متابعت قرآن مجید  
 و الیهیت ظاهرین ص که عالم معلوم قرآن اند و از اکثر احماد و یث

احادیث مستفیضه میشود که جواز با شریعت مقید است نه مطلق پس با ح  
 خواهد بود تا هنگامیکه از شب بمقدار ادای غسل وقت باقی باشد  
 طرفه آنکه بنا بر عموم سائل علت تراویح و کیفایگان از مستغنی  
 محل تعجب نیست عجب است از فاعل حسنا کتابا الله که مبتدع  
 تراویح گشت حال آنکه در قرآن هیچ یادگیری از آن نیست پس حسنا  
 کتابا الله یعنی چه **سوال** در تحلیل ملک خود مرد و اجل هم  
 شرط نیست اما اگر مالک در صیغه تعین مدتی نماید و باز ای آن  
 عوضی معلوم برای خود مشروط سازد و محمل له قبول کند چیست  
 و بر تقدیر صحت بعد از انقراض اجل برای محله عده و استبرائه  
 هست یا اینکه بهین زمان مالکش تحلیل دیگری میتواند کرد بر شقی  
 اختلاف میاه و تشویش انسای لازم می باید بجاو این شبهه شرف  
 سازند و بر تقدیر اول تعین مدت و کمیت آن ثبت فرمایند  
**جواب** در صورت تعین مدت و مبلغ از افراد متعبد باخیر خواهد  
 بود و بدون انقضای مدت مالکشن بدگری تحلیل نمیتواند کرد  
**سوال** استغنه باز نیکیه از اهل خلاف و سنت و جماعت باشد

در یوم باشد هرگاه که هر چند از آن تراویح و جماعت شریف و حکیمانه و وقت جماعت از وقت تراویح



جائز است یا نه **جواب** ظاهر آنست که جایز باشد آری محل تامل است  
 که زن سنته که اعتقاد بعد از جواز متعه داشته آئینه میشود **سوال**  
 چه میفرمایند از این صورت که زنی یا مردی از قوم گیلان یعنی اولاد  
 عبدالقادر المعروف بدستگیر است بدست بای سابق پستی  
 بود و بعد عمر و ازده چهارده سالگی بسبب صحبت بعضی اقر با شیعه  
 و مذاهب شیعه اختیار نمود و صوم و صاوة مطابق مذاهب حقه میکند  
 و خلفای جور را لعن میکند مگر در لعن گفتن بر عبدالقادر و بعضی مشایخ  
 صوفیه و تخلیه و بغیر محل تقیه هم تامل میکند و لعنت بر جیلانست و اهل  
 آنفرقه نمی کند و بمقابل معلم مذاهب شیعه و رفرقه اثنا عشریه هم بد  
 زبان لعن می سازد و بسبب نسبت که بر عمر خود او را سید صلیح  
 میدانند و تبرک کردن خاصه و تامل میکند و پیشوایان اهل تصوف  
 ملعون نمیدانند و تبرک نمیکنند و نیز آری از عبدالقادر و امثال او را  
 جزو مذاهب شیعه نمیدانند و مستحق لعن نیستند فهمید و غنا الاستفسار  
 اصرار و لعن آنفرقه بجا میگوید که شیعه موقوف بر لعن گفتن  
 بر زبان و مستحق لعن فهمیدن بر عبدالقادر و امثال او نیست

نیست آیا چنین مرد و زنی را شیعه مینوگفت و فاسد العقیده باید  
 فهمید یا خالص الاعتقاد و خلل و نقض در مذہب شیع ازین عمل می  
 شود و در روز جزا که بعد مردن اعتقاد و عمل بمحک امتحان بنجیده  
 و بر سیده خواهد شد باز پرس و مواخذہ باین امور خواهد شد و این  
 کسان را شیعه و پیرو اہل بیت طاهرین باید دانست یا نہ **جواب**  
 اگر با وصف علم بفساد اعتقاد جیلانی و غرضیہ و انکار استحقاق  
 لعن میکنند از تشیع خارج است و اگر انکار استحقاق لعن ندارد  
 لکن بسبب قرابت و غیر آن بزبان خود لعن نمیکند چون تعلق بہ  
 لعن واجب نیست بہ مجرد انکار از تعلق بہ لعن با وصف اقرار بہ استحقاق  
 لعن حکم بخروج از تشیع شکست بالجملة فساد اعتقاد و شناخت  
 اقوال و رفتار است افعال جیلانی و دیگر صوفیہ از کتب نشان ثابت  
 است و احادیث و مذہب صوفیہ و لعن و طعن ایشان بسیار  
 وارد اند و شک نیست در این کہ جیلانی سنی و صوفی بوده است  
 پس مرد لعن و طعن خواهد بود کہ پس یکہ اطلاع بر این حال نداشته  
 باشد باید کہ رجوع بکتب و احادیث نماید کہ اشتباه او زایل گردد

# اعلان

ظاہر ہے کہ رسالہ مہوار باہین غرض جاری ہوا تھا کہ حضرت مونس کو فائدہ دینی حاصل ہو اور کار پر دازان مطبع کی طرف بھی کسی نوع کی زیر کاری عاید ہو مگر اکثر حضرات فی صرف اپنے فائدہ ٹھونڈ رکھا نقصان مطبع کا کچھ خیال کیا ایسی ساری مہوار بابت ایک سال کے نامزد دست ہوئی اور مطالبہ زرقیت کرات و مرآت عمل میں آیا مگر اکثر صورح نے بعد منقضی ہوئی مبعاد کے بھی عطایا شرف کی طرف مطلق توجہ نقرانے تا آنکہ حسب منشاء اشتہار مجریہ باہ جنوبی و فروری سند الیہ سبیل اجرائی رسالہ مہوار سرد و ہو گئی حضرات نا دہند اطمینان خاطر خاطر فرمائیں کہ آئندہ او کو خرید رسالے کے ہرگز تکلیف نہ ہوگی البتہ جس طرح ہوگا مبلغ چھ روپیہ بابت رسالہ مہوار سالانہ بھجنا ب بعد وصول کر لین گے اور پھر کبھی بدون وصول قیمت مطبع سے کوئی کتاب سیکلی نام روانہ نہ کریں گے مگر چونکہ علت غائی اور غرض اصلی اجرائی مطبع نہ اسی شید مبانی اسلام اور ترویج سائنس و دین حضرت خیر الانام تھی لہذا علاوہ کتاب سبب

مستطاب استقصاء الافحام جواب شہی الکلام کی ہمیشہ کتب ذبیہ و رسائل  
مسائل طریقہ حقہ آشنا شیر بہان طبع ہونی رہیں گی اور حال اسکا  
بذریعہ اشتہار مندرجہ اخبار واضح خواطر ناظرین والا تبار ہونا پسکا  
بلکہ تا یکماہ کامل مطالبہ قیمت رسائل پہلے بوسیدہ اخبار عمل میں آئیگا۔  
من اجد اگر کار پر دازان مطبع سی کوئی امر خلاف مرضی ظاہر ہو تو  
حضرات نادہند کو کسی طرح جاری شکایت نہیں اور اگر سیعاد معین ہیں  
براہ عنایت عطای زرشن کی طرف ملتفت ہونگی تو راقم اشم کو کامل  
درجہ مرہون سنت فرمایگے۔ لکن یاد رہی کہ اب ہم بعد وصول  
مبالغہ ہی اجرائی رسالہ ماہوار کا کہی نہ مکر نیگے۔ فی الحال کچھ  
اور مطالب ضروریہ ذیل اشتہار میں درج کئی جاتی ہیں بغض ای ع  
یک دیدن از برای ندیدن بود ضرورۃً ایک نظر اول سے آخر  
تک ملاحظہ فرمالین کہ یہ مطالب اکثر اوقات بکار آمد ہونگی۔

## اشتہار

پوشیدہ نرسہ کہ کتاب مستطاب استقصاء الافحام و رسائل  
فی نقض شہی الکلام بنظر تابد نہ سب حقہ حضرات ائمہ معصومین علیہم السلام

و کسر اعناق معانین لثام برابر چہ پھیلتے ہی ہے قیمت اس مجلد ضخیم  
 کی فی صد صفحہ دو روپیہ مع محصول ڈاک مقرر ہے۔ چنانچہ جن  
 صواحب نے چہ روپیہ پیشگی ارسال مطبع فرمائی تھی دو سو صفحہ  
 چہکراؤ کی خدمت میں ارسال ہوئی اور اٹھ ماہ نالٹہ ہے  
 کہ آٹھ دس روز میں کامل ہوا چاہتا ہی بغور تمام ارسال کیا  
 جائیگا۔ پس جن حضرات کو خریداری اس کتاب بہ سہولت کے  
 مد نظر ہو قیمت قدر مطبوع پیشگی مرحمت فرمائیں اور اوراق اسے  
 حساب سی فائز خدمت ہونگی اور جو شائقین دو دو سو صفحہ طلب  
 فرمائی ہیں۔ چاہیے کہ اب دو روپیہ بابت ماہ نالٹہ کی ہے  
 لطف فرمائیں تاکہ بعد مطبع ارسال صفحات میں تاخیر ہونی نہ پائے  
 مکتب مفصلہ ذیل ان معروض بیع میں جن کو خریداری منظور ہے  
 قیمت بیچکار طلبہ یا میں تحفۃ المتقین حسب فتاویٰ و مرجحات جناب  
 مجتہد العصر دست برکات ہم قیمت ۱۲ محصول ارسال مجموعہ فتاویٰ خود  
 فقہیہ قیمت ۱۲ محصول ارسال آیات القدس فی اثبات الخمس الملقب  
 بدارک العقول فی اثبات الخمس لکتر رسول قیمت ۱۲ محصول ارسال

رسالہ امامت از دھیرہ جناب سبحان زمان سبحان علیخان مرحوم قیمت  
۴۰۰ ار محضول ار رسالہ ہدیۃ المؤمنین و ہدایۃ المسلمین دین سبقت امامت از مصنفات  
جناب سید لکھنوی صاحب قیمت ۴۰۰ ار محضول ار رسالہ از آلہ الاولاد  
فی البکاء علی الامام الہمام و نقل القرائح والا کام قیمت ۶۰۰ ار محضول  
یہہ رسائل بت ایک سال کے طبع ہو کر شریانی سائل کے خدمت میں  
رسل ہوئی۔ اور علاوہ برآن جو کتابیں کہ چھپ چکی ہیں  
یا چھپ چکی ہیں یا چھپنی والی ہیں فہرست فکری ذیل میں درج ہی  
زمرہ اخضر یا توت احمر مجلد نہ جلد دو روپیہ استقصاء الافحام ر و  
منتہی الکلام فی صد صفحہ خلاصہ لمصائب کہ چھپنی شروع ہو گئی  
ہی قبل از ختام طبع و مابعد طبع کتاب قرابادین کہ چھپنی والی ہی  
قیمت قبل از طبع ۷۰۰ بعد طبع ۷۰۰ قرار پائی ہے ۴۰۰ جا ہی کہ  
سب صاحب قیمت نقد ذریعہ بل یا ہنڈ ویکے عنایت فرمائیں  
اگر ہنڈوی لو دیا نہ ہر ممکن نہ تو لاہور یا امرتسر یا جالندریا لکھنؤ  
حاصل کر کے لطف فرمائیں اور بدرجہ ناچار ہی ٹکٹ ایک  
ایک آنہ یا آدہ آدہ آنہ کے مرحمت ہوں ۴۰۰ تم جو صاحب کتب

سندرجہ بالا میث سے بجا خط تجارت یا بنظر تقسیم بچیس نسخوں  
 زیادہ خرید فرمائیگی تو او کو نوے صدی دس روپیہ کے  
 تخفیف دیا جائیگی م اجماع جمع البحرین جن صواب کے  
 خدمت میں نہیں پہنچا وہ بنظر نائید مطبع درخواست بھیج کر پو  
 طلب فرمائیں کہ قطع نظر اطلاع اخبار دیار و امصار کے کیفیت  
 مطبع و تفصیل کتب مطبوعہ دینیہ ہی معلوم ہوتی رہے گی  
 اور اگر شوق مطالعہ اخبار نہیں تو بعد مہینہ دو مہینہ کے

ہیڈ خط بھیج کر مفصل حال دریافت

فرما لیا کریں فقط

تم تم تمام شد

